

.....*Foreign*.....DEPARTMENT  
.....*Persian*.....BRANCH  
.....Controlling Agency

*Pre-Mutiny Papers*

Collection No. 201

1855

CONSULTATION.....

*Serial* No. *57*.....

*Dated: 15 September 1855*

*Subject: Diary of Mr. Simon  
Fraser as recorded  
by his munshi.....*

*Fol - I, Size - 7 1/2" x 6"*

*Persian*

Previous reference

Later reference

بشارت نوی این که در سن فروردین ماه در شهر اصفهان در روز دوشنبه در وقت ظهر در مسجد جامع

امروزه بیاید الفیاض امیر موزی شده لطیف بیاولی باج لویه استیضیه برده هوا خوری بخوده امده حاضرین سوال کرده

دکتر سرسله رای سادوست که در ارضه املاک آنکوزایه بر بنیاد امده که مکتوبا این کتب بافت از شبازان افادیا بر امده که

تسلی می گفتم که نام او که در زنده و شهردومی شایع بود که بر فرزند خان دالان باشد مقدمات سندس نواب صدوقان مرحوم

اجابت در بناب از سرکار گرفته تلقابم اطلاع کرده زنده باشند حاله بنده تباری بر شن فارسی ایجا که زنده و نه

طایفه حور خط صاف دست که در صحت مکارک کتب مذکور بر مودان است بطور خود مودان کشته که زنده و نهند

و دیگر در باب زلف صانع دالان مندرسه مذکور در شهر سام حرمید گانیه چهار روح لویه مذکور که در شهر است

حال بدون اجازت احدی از کتب بخواند بعد چینی بنام حرمین موصوف بر بنیاد زلفست تا که بدون اجازت همان

کلام حکما تا بعد از مذکور در ام الکبری از اخبار و زلفست خواند بعد چینی بر سر حد حکما که در باره وضع روزگار در باره تحصیل موهبت

امده بعد از لفظ بدست چینی از اطمینان در کتب و در این نوار عبد الرحمن خان خرداله اطلبد است فرموده که در از سرداران

چهار صوفی بانیه حوسل کرده که حکما که بیاید از خوداری از سرداران موضع چهار دغوه دانست مینمود در کتب ایشان نیز از

نوار محمد ریاد و بر بادی سرداران مذکور کرده می آید موصوف بنویسیده بهیچیک حکم حکما که بیاید در باره وضع

بزند لغتمل نماید عسکره که بیشتر بعد و کسب مذکور خط نوار الفها حکما که در باره وضع خط نام

حالموصوف صلوات که رسید داده در نواح خود از انبساطی و مودان نماید و ملعا مذکور حاله سالن عمل خرابی اضطرر نمودند بعد

کوبلی مانده و کسب حسن علیجان مذکور امده خط موصل خود مودان رسید ملعا مذکور که در این ملعا مذکور از ضربه اطمینان

مندر رسید مذکور خط نام محمد وچ صادر بنیاد و در از زنده اند و سات ماکر بیاید حکما و در این کتب

کرانه از در موصوف و شیب سلطان که حاضر به صدوفی سر بگردان کاغذات و قلم در دست نامی دغوه

که حضرت جان...  
روایت...  
خمار...  
تندر...  
نشسته...  
در...  
سوار...  
مجلس...  
حاضر...  
همه...  
طعام...  
کوه...  
شهر...  
کرم...  
که...  
ارث...

2